

مطالعات ادبی

دوره ۲ / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۱ / ص ۳۲۰-۳۰۳

خوانشی جامعه‌شناختی از «من سالاری» در ادبیات فرانسه معاصر

زهرا ناصحی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۴

چکیده

ادبیات معاصر فرانسه شاهد حضور چشمگیر آثاری است که بی‌پرده از «من» نویسنده سخن می‌گویند. حلقه سه‌گانه نویسنده، راوی و شخصیت در هم آمیخته و جریانی از ادبیاتی خلق کرده که در سیطره اول شخص است. بسیاری از منتقدان بدین باورند که این امر نشانی از سلطه فردگرایی در جامعه امروز فرانسه است. گروهی دیگر از تحلیلگران اجتماعی با رد دیدگاه فردگرایانه نسبت به دوره معاصر، جامعه امروز فرانسه را بسیار جمع‌گرا می‌دانند. مطالعه آثار ادبی معاصر و تحلیل نقش و جایگاه اول شخص مفرد نزد نویسندگان این دوره، نشان می‌دهد که حضور «من» در این جریان همواره نشان فردگرایی اثر نیست و نوشتار امروزی در ادبیات فرانسه، بیش از آنکه فردگرا باشد «من سالار» است. این گفتار خوانشی است جامعه‌شناختی از حضور اول شخص در رمان معاصر فرانسه برای ترسیم تصویری از جامعه امروز فرانسه از ورای آثار ادبی این کشور.

واژگان کلیدی: اتوبیوگرافی، ادبیات فرانسه، ادبیات مدرن، جامعه فرانسه، خودنگاری، خودنوشته، رمان معاصر، نقد جامعه‌شناختی، من سالاری.

مقدمه

خودنگاری را می‌توان یکی از پدیده‌های دنیای ادب امروز^۱ در جامعه فرانسه به حساب آورد. گرایش نویسندگان به وارد کردن «خود» - یعنی زندگی شخصی خویش، تجارب فردی و حتی حریم خصوصی خود به ادبیات - ویژگی عمده آثار امروزی را تشکیل می‌دهد. رمان به عنوان نوع ادبی صاحب‌نام و معتبر قرون پیشین، شاهد حضور قالب ادبی دیگری است که نه تنها جای خود را به عنوان نوع ادبی قابل قبول بازمی‌کند، بلکه بیش از پیش، در عرصه رقابت با رمان به توفیق‌های کمی و کیفی دست می‌یابد؛ به طوری که حجم بسیاری از تولیدات ادبی، از دهه ۸۰ میلادی تا امروز، در زمره خودنوشته‌ها جای می‌گیرد. انواع نوشته‌های خودنگارانه، مورد توجه منتقدان و نظریه‌پردازان قرار گرفته، موجب خلق آثار نظری و تحلیلی در این زمینه شده است.^۲ بدین ترتیب، خودنگاری^۳ که پیش از این قالب ادبی فرعی‌ای در نظر گرفته می‌شد، با تنگ کردن عرصه بر رمان، روند صعودی را به سوی هماهنگ ساختن ارزش تبادلی و کاربردی خویش در حوزه ادبیات طی می‌کند.

با در نظر گرفتن نقش اجتماع در شکل‌گیری و تحول فرم‌های ادبی، می‌توان جریان پیدایش خودنوشته‌ها و گسترش آن را در فضای پیرامونی ادبی - اجتماعی آن ردیابی کرد. چگونه رمان نوی دهه پنجاه تا هفتاد میلادی که با در هم شکستن ساختار رمان کلاسیک و کمرنگ ساختن حضور فرد به نفع شیء - که به تحلیل لوسین گلدمن، نشان از شی‌انگاری^۴

۱. منظور از دنیای ادب امروز فرانسه، تولیدات ادبی دو دهه آخر قرن بیستم و سال‌های اولیه قرن بیست و یکم است.

۲. برخی از این آثار در کتابنامه پژوهش حاضر آمده است.

۳. نگارنده معادل فارسی «اتوبیوگرافی» را «خودنگاری» می‌داند. منظور نوشتاری است که در آن نویسنده به شرح زندگانی خویش می‌پردازد. نویسنده، راوی و شخصیت یکی‌اند، نگاه رو به گذشته است و هدف بازگو کردن داستان زندگی و چگونگی شکل‌گیری شخصیت نویسنده است. برای تعریف اتوبیوگرافی به عنوان نوع ادبی و ویژگی‌های آن رجوع کنید به آثار فیلیپ لوژون (Philippe Lejeune) که نظریه‌پرداز اتوبیوگرافی شناخته می‌شود.

۴. اصطلاح جامعه‌شناختی معادل Réification در زبان فرانسه است و در معنای از بین رفتن ارزش کاربردی و تقدم ارزش تبادلی بر آن است. پیر زیما (Pierre Zima) در اثر خود، درباره نقد جامعه‌شناختی با اشاره به این تحلیل گلدمن از رمان نو، شی‌انگاری را به معنای نادیده گرفتن ارزش کاربردی و همه چیز را مانند شیء و

جامعه آن دوران دارد- به تدریج جای خود را به حضور قابل توجه فرد نویسنده و حکومت «من» وی در ادبیات می‌دهد. خوانش جامعه‌شناختی این پدیده در نگاه نخست ترجیح می‌دهد با تکیه بر سیطره حضور فرد در این آثار، پیدایش آنها را نشان از سلطه فردگرایی در جامعه بداند. پرسش این است که «آیا می‌توان گفت که جایگاه عمده اول شخص مفرد در ادبیات، تصویری از نقش محوری آن در جامعه این زمان است؟»

مروری بر سیر رشد و پیدایش ادبیات خودنوشته در سه دهه اخیر و عوامل مؤثر بر آن از یک سو و بررسی نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که شرایط پدید آمدن این جریان ادبی را فراهم آورده است از سوی دیگر، مقدمه‌ای خواهد بود بر درک و توصیف کلی آثار ادبی دوره معاصر که در پیوندی تنگاتنگ با ضمیر اول شخص، گریزان از تعاریف و قالب‌های متعارف^۱، همچنان به حضور «نامتعارف»^۲ خود تداوم بخشیده است.

۱. اول شخص مفرد در ادبیات معاصر

همان گونه که گفته شد یکی از ویژگی‌های ادبیات فرانسه امروز، حضور چشمگیر

خارج از اراده انسانی در نظر گرفتن معرفی می‌کند (Zima, 2000, p. 27). راب استونز نیز در اثر خود، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی* (به ترجمه مهرداد میردامادی)، شیء‌انگاری را به وضعیتی می‌داند که در آن «جامعه در حکم یک شیء بدون افراد آن است که کاملاً به خودی خود و مطابق با اهدافی که برای آن ساخته شده کار می‌کند» (استونز، ۱۳۸۵: ۳۳۳).

۱. یکی از ویژگی‌های آثار امروزی را می‌توان تعریف‌ناپذیری آنها در قالب یک نوع ادبی خاص و یا برجستگی مطلق برشمرد. در همین زمینه، نگارنده در حال حاضر مقاله‌ای درباره «نقص تعاریف موجود و تناقض‌های موجود در آنها» در دست نگارش دارد.

۲. برخی مدافعان ادبیات پیشین، به مقابله و مخالفت بارز با جریان معاصر برخاسته و آن را مرگ ادبیات دانسته- اند. از آن جمله می‌توان از هانری راجیمو (Henri Raczymow)، خالق مرگ نویسنده بزرگ (۱۹۹۴)، نام برد که معتقد است: «امروزه در فرانسه، ادبیات دیگر قصه‌ای به آخر رسیده است.» و یا ژان-ماری دومنک (Jean-Marie Domenach) که از اینکه در افق ادبیات فرانسه دیگر نه نشانی از مالرو است و نه از کامو، نه خبری از پروست است و نه از فلور متاثر است (غروب فرهنگ فرانسه، ۱۹۹۵). در این زمینه مراجعه شود به: Viard & Vercier, 2005, pp. 301-310.

آثاری است که صحنه حضور و آشکارسازی زندگی فردی نویسنده است. گرچه خودنگاری قالب جدیدی در خلق ادبی نیست و اول شخص مفرد به عنوان نویسنده، راوی و شخصیت در برخی از آثار پیشین نیز آمده است، دوره معاصر شاهد جهش این نوع نوشتار و اهمیت یافتن مجموعه نوشته‌هایی است که از قالب مذکور فراتر رفته و مجموعه‌ای از خودنوشته‌ها^۱ را که خودنگاری بخشی از آن است تشکیل می‌دهد. این سیر تحولی در میدان ادبی جامعه فرانسه، به ویژه متأثر از یک اتفاق ادبی است. این اتفاق ادبی را باید در آخرین سال‌های دوران نویسندگی مارگریت دوراس^۲ جست‌وجو کرد. این بانوی نویسنده را که آثارش در ادبیات فرانسه گواه تحول رمان و بخشی از آن پلی است میان رمان نو و رمان معاصر، به جرأت می‌توان پایه‌گذار خودنوشته‌های مدرن برشمرد.

۱.۱. تأثیر دوراس در شکل‌گیری خودنوشته‌ها

عاشق^۳، اثر مارگریت دوراس، سرآغازی بود برای رشته آثاری که بی‌پروا از زندگی شخصی نویسنده پرده برمی‌دارند. مارگریت دوراس پس از انتشار این اثر در سال ۱۹۸۴م، در مصاحبه تلویزیونی معروف خود^۴ اعتراف کرد که راوی بی‌نام عاشق که بین اول شخص و سوم شخص در نوسان است و ماجرای عشق جوانی خود به مرد ثروتمند چینی را روایت می‌کند، کسی جز خود نویسنده نیست. اهمیت این اثر تنها در ساختار و محتوای آن نبود؛ بلکه فضای پیرامنی (شامل مصاحبه‌ها، تحلیل‌ها،

۱. «خودنوشته» را معادل اصطلاح فرانسوی *écriture de soi* به کار می‌بریم که شامل مجموعه نوشته‌هایی است که در آن «من» واقعی نویسنده حضور دارد، نه در قالب روایتی خیالی بلکه با اعتراف به واقعی بودن آن. از جمله خودنوشته‌ها می‌توان به خودنگاری (اتوبیوگرافی)، خودرمان (اتوفیکسیون) و خاطرات اشاره کرد.

2. Marguerite Duras

3. L'Amant

۴. پس از موفقیت قابل توجه این رمان و فروش ده‌هزار جلدی آن ظرف چندین هفته، مارگریت در ۲۸

سپتامبر ۱۹۸۴م، به برنامه مشهور آپوستروف دعوت شد و در برنامه‌ای زنده به سؤال‌های برنارد پیوو درباره زندگی و آثارش پاسخ داد. فایل ویدئویی این مصاحبه در آدرس اینترنتی زیر قابل مشاهده است:

http://www.ina.fr/archivespourtous/index.php?vue=notice&id_notice=CPB84055480

واکنش‌های خود نویسنده پس از چاپ آن) تأثیر قابل‌توجهی بر شکل‌گیری حوزه تولیدات ادبی پس از آن بر جای گذاشت. گویی موضع‌گیری صریح نویسنده در پذیرش واقعیت صحنه‌های رمان که بازیگر اصلی آنها خود وی بوده است، موجب شکسته شدن حریم‌ها شد و راه ورود اول شخص جدیدی را به حوزه ادبیات بازکرد.

این سخن بدین معنا نیست که پیش از عاشق، آثار ادبی روایت شده به اول شخص مفرد و یا درباره اول شخص، یعنی خود نویسنده پدید نیامده است. خودنگاری (اتوبیوگرافی) در شکل جدید آن، در قرن پیش از آن شکل گرفت و نزد بیشتر نویسندگان به ویژه در قرن بیستم، حضور اول شخص مفرد خودنگارانه انکارناپذیر است. از این دست می‌توان از یک سو به خودنگاری‌های نویسندگان بنامی چون: آندره ژید، ژان پل سارتر، سیمون دوبوار، مارگریت یورسنار و میشل لیریس اشاره کرد که در قالب یک نوع ادبی به نگارش داستان زندگی و تکوین شخصیت نویسنده می‌پردازند؛ و از سوی دیگر آثاری را برشمرد که اتوبیوگرافی نیستند و به واسطه پردازش داستانی و حضور تخیل در آنها «رمان» نامیده می‌شوند، اما «من» نویسنده و تجربه‌های شخصی وی، جایگاه عمده‌ای در آنها دارند مانند *ضد/خلاق*^۱ (ژید)، *سفر به اعماق شب*، *مرگ قسطی* (سلین) و *در جست‌وجوی زمان از دست رفته* (پروست). اما تغییری که دوراس پایه‌گذار آن شد بر دو جنبه استوار است:

۱. ادبیات و دنیای آثار ادبی بی‌پروا به نمایش «من» نویسنده اثر می‌پردازد و نویسنده جرأت بیشتری برای از خود نوشتن بی‌پرده و آشکار نمودن واقعیات زندگی شخصی خود پیدا می‌کند.

۲. خودنوشته‌ها به سوی لایه‌های درونی، عمقی، پنهانی و یا خصوصی‌تر شخصیت که همان نویسنده است گرایش می‌یابند.

بدین ترتیب، دهه ۸۰ میلادی شاهد تغییر اساسی در فرم و محتوای خود نوشته‌ها بود؛ تغییری که از آن پس نیز ادامه یافت. برای مثال، با نگاهی به آثار آنی ارنو^۲ از

۱. این اثر آندره ژید که نام فرانسوی آن *L'Immoraliste* است، با عنوان فارسی *رذل* به ترجمه علی پاک‌بین به چاپ رسیده است.

2. Annie Ernaux

نویسندگان مطرح دوره معاصر، می‌توان به روشنی تغییر نوشتار را از اتوبیوگرافی در پرده (رمان خودنگارانه) در آثار مربوط به دهه ۷۰ میلادی - مانند *کمد های خالی* (۱۹۷۴)، *آنچه می‌گویند یا هیچ* (۱۹۷۹) و *زن یخ‌زده* (۱۹۸۱) - به خودنوشته‌های محض از دهه ۸۰ به بعد - مانند *منزل به منزل*^۱ (۱۹۸۴)، *یک زن* (۱۹۸۸)، *شرم* (۱۹۹۷)، *خاطرات بیرونی* (۱۹۹۳) - مشاهده کرد. سرژ دو بروفسکی، پاتریک مودیانو، فیلیپ فورست، فرانسوا نوریسه، هروه گیر، کریستین آنگو، لوکلزیو^۲ و بسیاری دیگر نیز در این دوره دست به خلق خودنوشته‌های گوناگونی زدند که هر یک بیانگر تصویری از دوره و یا سهمی از زندگی نویسنده‌اند. در این میان، روی آوردن نویسندگان رمان نوی دهه‌های پیشین به خودنگاری، تأییدی است بر تحول آثار به سوی خودنوشته؛ نویسندگانی مانند: آلن رب گریه، ناتالی ساروت، و کلود سیمون، هر یک به نوبه خود به خلق آثار خودنگارانه پرداخته‌اند.^۳

۲.۱. خلاقیت در تحول خودنوشته‌ها

نویسندگان خودنگار و خالقان خودنوشته‌ها به تدریج برای تثبیت جایگاه ادبی خود، به خلق نوشتار مدرن و تفاوت در شیوه خودنگاری خویش می‌پردازند. گویی در عصر افول مکاتب و جریان‌های ادبی، رمز ماندگاری در دنیای ادبیات، خلق گونه‌ای متفاوت

۱. عنوان اصلی این اثر *La Place* به معنی «جای» و یا «جایگاه» است که صغیه روحی با نام *منزل به منزل*، آن را به فارسی برگردانده و در نشر کتابسرا به چاپ رسیده است.

2. Serge Doubrovsky (1928-), Patrick Modiano (1945-), Philippe Forest (1962-), François Nourissier (1927-), Hervé Guibert (1955-1991), Christine Angot (1959-), Jean-Marie Gustave Le Clezio (1940-).

۳. Alain Robbe-Grillet (1922-2007) پایه‌گذار نهضت *رمان نو* در فرانسه که از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ میلادی به نگارش سلسله آثار خودنگارانه با عنوان *Romanesques* می‌پردازد که در سه جلد منتشر شد: *آینه‌ای که بازمی‌گردد*، *آنزلیک* یا *شیفتگی*، *آخرین روزهای کورنت*. Nathalie Sarraute (1900-1999) رمان خودنگارانه مشهور خود را با عنوان *کودکی* در سال ۱۹۸۳م به نگارش درآورد. Claude Simon (1913-2005) برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۸۵م، با *اتاقیا* (L'Acacia, 1989) به خودنگاری روی می‌آورد و حتی اعتراف می‌کند که از سال ۱۹۵۸م آثارش به حذف تخیل و جایگزینی آن با درون‌مایه‌های خانوادگی و زندگی واقعی نویسنده گرایش داشته است (Rey, 2004).

از نوشتار است. بدین ترتیب، از دهه ۸۰ به بعد، شاهد حضور تلاش‌های فردی و شکل‌گیری فرم‌ها و حتی نام‌گذاری‌های گوناگون از خودنوشته‌هاییم. خلاقیت نویسندگان در گریز از فرم‌های از پیش تعریف‌شده و یکنواخت و کوشش برای غنابخشی به سبک و محتوای اثر خویش، با درآمیختن علوم انسانی دیگر، به‌ویژه رویکردهای اجتماعی با ادبیات، در این دوره مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، آنی ارنو دست به خلق اتوبیوگرافی اجتماعی می‌زند که به گفته خود وی، آمیزه‌ای است از جامعه‌شناسی و ادبیات و تاریخ. پاسکال کینیار^۱ در آثار خود تلفیقی از ادبیات و هنر و موسیقی و فلسفه را ارائه می‌دهد. فرانسوا بُن زندگی کارگری و جلوه‌های اجتماعی صنعت را به ادبیات می‌کشاند. هروه گیبر^۳ معضلات اجتماعی و بیماری ایدز را به تصویر می‌کشد. سرژ دوپروفسکی^۴ از تخیل خودنوشته‌ها سخن می‌گوید و واژه اتوفیکسیون (خودرمان)^۵ را خلق می‌کند. مردم‌شناسی و قوم‌شناسی به ادبیات راه می‌یابد و در خودنوشته‌های نویسندگانی چون آنی ارنو و پیر برگونیو^۶ تبلور می‌یابد. پرهیز از تخیل، بیش از پیش نزد نویسندگان رواج می‌یابد که به شیوه‌های گوناگون

1. Pascal Quignard
2. François Bon
3. Hervé Guibert
4. Serge Doubrovsky

۵. واژه *Autofiction* برای نخستین بار، در توضیحات پشت جلد کتاب *دوپروفسکی* با عنوان *Fils* آمده است. درباره تعریف اتوفیکسیون و ویژگی‌های آن اختلاف نظرهای بسیاری هست و به طور کل دو برداشت عمده از آن وجود دارد: اولی معادل رمان خودنگارانه است و دومی که مطابق با نظر دوپروفسکی است، به نوعی خودنوشته اطلاق می‌شود که در آن صداقت و انطباق روایت با آنچه در زندگی واقعی گذشته و یا می‌گذرد، از ویژگی‌های عمده است. همچنین سه عنصر نویسنده، شخصیت و زاوی حتماً باید بر هم انطباق داشته باشند. دوپروفسکی می‌نویسد: «خودنگاری؟ خیر. تخیل رویدادها و حوادث کاملاً واقعی. می‌توان گفت خودرمان، یعنی سپردن روایت یک ماجرا به روایت یک ماجرا به ماجرای یک روایت آزاد» (Doubrovsky, 1977). نگارنده واژه «خودرمان» را به عنوان معادل فارسی واژه دوپروفسکی پیشنهاد می‌کند. برای تعریف خودرمان و بررسی تقابل میان دو دیدگاه موجود درباره آن، رجوع کنید به: Nassehi, 2011.

۶. Pierre Bergounioux متولد سال ۱۹۴۹ میلادی است. نوشتار مردم‌شناسانه و قوم‌شناسانه وی را به ویژه در آثاری چون *پسر بیجه یتیم* (۱۹۹۲)، *ساده‌ها، استادانه‌ها و سایر پادزهرها* (۲۰۰۱) می‌توان مشاهده کرد.

در اثبات واقعی بودن، یعنی غیررمان بودن آثار خود با یکدیگر به رقابت می‌پردازند: الحاق عکس به عنوان عامل اصلی روایت شخصی (تکنیکی که اوج آن را در اثری از آنی ارنو با عنوان کاربرد عکس در سال ۲۰۰۵ م می‌توان مشاهده کرد) و یا عامل جانبی روایت خود (افریقایی اثر لولکنزیو، ۲۰۰۴)، انتشار دفتر خاطرات شخصی با حفظ فرم روزنگار^۱، آن، بازگویی بیش از پیش مسائل بسیار خصوصی زندگی شخصی و انتشار عمومی آن را می‌توان به عنوان بخشی از این شیوه‌ها نام برد. در میان تلاش‌های فردی متفاوت در تداوم حضور خودنوشته‌های نویسندگان در صحنه ادبیات، این پرسش مطرح است که چگونه این نوشتارهای گوناگون در یک دوره پدیدار می‌شوند؛ به بیان دیگر فردیت و تمایز ظاهراً آگاهانه موجود در آثار ادبی این دوران چگونه توجیه می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش، پیش از هر چیز باید به تحلیل کلی گفتار یا گفتارهای موجود در این آثار پرداخت تا بتوان به گونه‌ای «زبان جمعی»^۲ حاکم بر آنها را ترسیم کرد.

۳.۱. وجه مشترک خودنوشته‌ها: گفتار مربوط به «من»

وجه مشترک تمامی آثار این دوره را می‌توان حضور مسلم اول شخص مفرد دانست؛ اول شخصی که به اعتراف و تأکید خود مؤلفان، کسی نیست جز نویسنده و تجربیات شخصی وی که در تلاشی برای نفی تخیل و رمان‌پردازی ارائه می‌شود. به همین دلیل است که مجموعه این گونه نوشتار را «خودنوشته» می‌نامیم؛ یعنی نوشتاری که «خود» نویسنده در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند. در میان واژگان جدیدی که برای توصیف خودنوشته‌های

۱. منظور خاطره‌نوشته یا همان journal است که دارای ویژگی‌های فرمی و محتوایی خاص خود است. در این-باره، میشل برو کتابی با عنوان گفتاری در باب زیبایی‌شناسی خاطرات شخصی نوشته که از معدود منابع موجود در این زمینه است (رجوع کنید به: Braud, 2006).

۲. این عبارت معادل پیشنهادی ما برای واژه sociolect است که از مفاهیم نقد جامعه‌شناختی است که نظریه-پردازان این حوزه همچون پیر زیما و ادmond کروس یکی از مراحل خوانش جامعه‌شناختی اثر معرفی کرده‌اند و ترسیم‌کننده ایدئولوژی یا طرز فکر حاکم بر جامعه در دوره‌ای خاص است که در قالب مشترکات زبانی و گفتار بروز می‌یابد. برای نقد جامعه‌شناختی و مفاهیم آن رجوع شود به: Cros, 2003 و Zima, 2000.

گونگون به کار رفته است واژه «خود» که معادل واژه لاتین auto در نظر گرفته‌ایم حضور دارد: خودنگاری^۱، خودرمان^۲، خودنگاری اجتماعی^۳ و خوداسطوره‌نگاری^۴.

حضور این «خود» در ضمیر اول‌شخص مفرد بروز می‌یابد که جایگاه ویژه‌ای در این نوع نوشتار دارد. روایت، به اول‌شخص مفرد است. موضوع روایت، کمابیش به دوره‌ای از زندگی این اول‌شخص مفرد باز می‌گردد: یا فاعل اصلی داستان است و یا داستان فرد دیگری را روایت می‌کند که با زندگی وی در ارتباط نزدیک است؛ مثلاً روایت زندگی پدر، مادر و یا سایر اعضای خانواده. در روایت، حضور پررنگ ضمیر «من» و متعلقات آن نشانی از تأکید مؤلف بر تعلق ماجرا و شخصیت‌ها به خود دارد. در قالب دفتر خاطرات، نوشته‌های روزانه «من» انتشار می‌یابند و حضور «من» به عنوان فاعل و یا مفعول روایت و یا هر دو، قابل توجه است. حضور مؤلف در لابه‌لای روایت برای تأکید بر صداقت خویش در روایت و نیز تعریف و توجیه نوشتار خود که عمداً و به اصرار از تخیل دوری می‌ورزد، همه و همه گواه حاکمیت «من» و تأکید بر اهمیت جایگاه، دیدگاه، دارایی‌ها، نواقص و حالات درونی و بیرونی اول‌شخص مفرد است.

۲. دلایل جامعه‌شناختی هجوم خودنوشته‌ها

نظریه‌پردازان دوره معاصر به طور عمده، به دو گروه موافق و مخالف فردگرایی جامعه امروز تقسیم می‌شوند. در حالی که گروه اول از شخصی‌سازی جامعه سخن می‌گویند و جایگاه افراطی اختصاص داده شده به فرد و برتری هویت فرد بر اجتماع را محکوم می‌کنند، گروه دیگر فرد جامعه امروز را برون‌گرا و متمایل به جمع می‌دانند. بر این اساس می‌توان دو فرضیه متفاوت را با توجه به جایگاه فرد در اجتماعی که بستر شکل‌گیری و گسترش خودنوشته‌ها بوده است، مطرح کرد.

1. Autobiographie
2. Autofiction
3. Autosociobiographie
4. Automythobiographie

۱.۲. فرضیه اول: فردگرایی در جامعه

ژیل لیپوستکی^۱ در اثر خود، عصر خلأ رساله‌ای در باب فردگرایی امروزی، از «دوره‌ای نوین در تاریخ فردگرایی غربی» سخن می‌گوید. به اعتقاد وی، با گسترش جوامع دموکراتیک، شاهد پیدایش فردی‌سازی زندگی اجتماعی‌ایم که با گسترش حقوق و تمایلات فرد در ارتباط است. در جامعه امروز، فرد بیش از پیش گریزان از محصور کردن خویش در قالب سیستم و قواعد یکپارچه است. روزبه‌روز ارزش‌های جدید در حمایت از فرد و عقاید فردی سر بر می‌آورند. افراد می‌توانند آن‌گونه که هستند در جامعه حضور یابند؛ با ابراز ویژگی‌های فردیشان. آزادی بیان، آزادی اندیشه و به طور کل آزادی خود بودن و خود را آن‌گونه که هست نشان دادن، از ارزش‌های بی‌چون و چرای جامعه غربی امروز به شمار می‌روند. ارزش‌های اجتماعی بر اساس ارزش‌های فردی تعریف و نهادینه می‌شوند. فرد در رفتارهای اجتماعی‌اش کمتر خود را پیرو قواعد جمعی می‌داند و آزادانه عمل می‌کند. به نظر این متفکر فرانسوی، جامعه امروز غرب «روند فردی‌سازی» را طی می‌کند. روندی که دو نمود دارد: نمود «خاص» که در تصمیم‌گیری‌های قدرت حاکم تبلور می‌یابد و نمود «موازی» که در رفتارها و تمایلات خاص افراد مثلاً آزادی اخلاقی و جنسی پدیدار می‌شود. به عقیده وی، جامعه مدرن از فردگرایی نسبی به سوی فردگرایی مطلق در حرکت است و این امر موجب گسترش خودشیفتگی و سلطه تمایلات فردی بر خواست‌های گروهی می‌شود. این‌گونه است که فرد تمایل دارد خودنمایی کند، فردیت و ویژگی‌های خویش را به نمایش بگذارد و تجارب شخصی‌اش را برای دیگران نقل کند (Lipovetsky, 2004, p. 13 & 74). همچنین، جامعه‌شناس آلمانی، نوربرت الیاس^۲، در کتاب خود، جامعه افراد، می‌نویسد جامعه پیشرفته امروز اهمیت ویژه‌ای به «من» می‌دهد؛ در حالی که در جامعه پیشین، برتری با «ما» بود (Elias, 2004, p. 208). بنابراین تحول جامعه غرب از جمع به سوی فرد بوده است. به گفته الیاس، این از

1. Gilles Lipovetsky

2. Norbert Elias

ویژگی‌های جوامع پیشرفته است و در جوامع عقب‌مانده هویت فردی وابسته به هویت جمعی است و با آن تعریف می‌شود.

بدین ترتیب، در فرضیه نخست می‌توان حضور مطلق اول شخص در ادبیات امروز فرانسه را نشانی از فردگرایی جامعه امروز دانست. عواملی که بدین فرضیه استحکام می‌بخشند در درون‌مایه‌های خودنوشته‌ها قابل جست‌وجویند. بحران هویت و جستجوی «من»، ریشه‌های «من»، کودکی «من»، خاطرات «من»، از یک سو، و راه‌یابی فضای شخصی و خصوصی زندگی واقعی نویسنده به صحنه عام ادبیات از سوی دیگر، به نوعی ترسیمی است از خودشیفتگی که در مجموع در ذهنیت‌گرایی خودنوشته‌ها تبلور می‌یابد.

۲.۲. فرضیه دوم: جامعه جمع‌گرا (ظهور جمع‌گرایی)

در مقابل نظریه فردگرایی جامعه، نظریه دیگری قرار می‌گیرد که قائل به برون‌گرایی فرد در جامعه امروز و تعلق بیش از پیش وی به اجتماع است. میشل مافزولی^۱، جامعه‌شناس فرانسوی، از «افول فردگرایی در جوامع»^۲ سخن می‌گوید و با اعتقاد به «چندگانگی من» (Maffesoli, 1998, p.28) در جست‌وجوی اثبات ابعاد گروهی جامعه امروز است. حضور بیش از پیش گروه‌ها و فرقه‌های متعدد، و تلاش فرد در برقراری ارتباط با دیگران، در جست‌وجوی پیوندها و تعلقات، پایه استدلال این دیدگاه جمع‌گراست. بدین ترتیب، آنچه فردگرایان، سلطه فرد و درون‌نگری فردی می‌بینند، در نظریه جمع‌گرا، حضور بیرونی و گامی در راه برقراری ارتباط با اجتماع تلقی می‌شود.

فرضیه حاصل از این نظریه، روی دیگر سکه ذهنیت‌گرایی در خودنوشته‌ها را تداعی می‌کند: حضور «من» در ارتباط با «ما» و نه برتر از آن. نمونه‌های گوناگون اختصاص خودنوشته به دیگری که به‌ویژه در آثار آنی ارنو، پیر برگونیو و ژان روئو^۳ به

1. Maffesoli Michel

۲. اشاره‌ای است به زیرعنوان اثر اساسی وی؛ یعنی دوره قبیله‌ها. افول فردگرایی در جوامع گروهی که در سال ۱۹۹۸م به چاپ رسید.

3. Jean Rouaud

چشم می‌خورد، نشان از کاربرد «من» در خدمت دیگری است؛ اول‌شخصی که بودن آن در وجود و هستی دیگری توجیه می‌شود و معنا می‌یابد. جست‌وجوی ریشه «من» نه در راستای خودنمایی، بلکه نشان از احساس تعلق فرد به جمع و پیشینه‌ای خاص دارد. از سوی دیگر، خودنوشته‌ها به زبان حال یک گروه یا طبقه اجتماعی اختصاص می‌یابد و نویسنده می‌کوشد سبک و زبان اثر را با گفتار گروه منطبق کند. در اینجا ضمیر اول‌شخص مفرد با اول شخص جمع در هم می‌آمیزد. جست‌وجوی «من» در «من» ادامه نمی‌یابد، بلکه در «ما» و در ارتباط با جمع امکان‌پذیر می‌شود؛ زیرا «انسان حاصل داستان‌های خانوادگی و اجتماعی گوناگون است»^۱. پیوندهای اجتماعی فرد به تصویر درمی‌آیند. صفحاتی از تاریخ از خلال زندگی شخصیت‌های واقعی مرتبط با زندگی فرد ترسیم می‌شوند و این‌گونه است که ادبیات معاصر بازگشتی به اجتماع و واقعیت اجتماعی را تجربه می‌کند.^۲

۳. ذهنیت به عینیت: جنبه‌های اجتماعی جریان «من سالار»

شرایط اجتماعی و میدان پیرامونی تولیدات ادبی دو دهه آخر قرن بیستم و نیز سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم که منجر به پیدایش «زبان جمعی» متکی بر اول شخص در ادبیات این دوره شده است، لاجرم در ویژگی‌های این ضمیر حاکم انعکاس یافته است. بدین ترتیب، با مطالعه ارزش «من» در خودنوشته‌های امروزی می‌توان تصویری از جامعه فرانسه این دوران یافت که بستر ظهور آنها بوده است.^۳ اما آنچه در چنین نگاهی

۱. آنی ارنو در مصاحبه‌ای با مجله Télérana که در شماره ۲۴۵۳ در ژانویه ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است.

۲. دومینیک ویار (Dominique Viard) در نوشته‌های گوناگون خود درباره ادبیات معاصر، به حضور واقعیت آثار این دوره اشاره می‌کند؛ به‌ویژه در بخش دوم و سوم اثرش با عنوان *ادبیات در زمان حال* (۲۰۰۵)، صفحات ۱۲۷ تا ۲۷۷؛ و نیز در بخشی از کتاب منتشر شده در سال ۲۰۰۲ توسط وزارت امور خارجه فرانسه درباره رمان معاصر فرانسه با عنوان «نوشتن با ظن» (صفحات ۱۳۳ تا ۱۶۴).

۳. مقصود نگارنده از نقد جامعه‌شناختی که در اصل روش بنیادین پژوهش حاضر است، تحلیلی از درون به برون متن دارد و نه همانند تصور اشتباه رایج که این نوع خوانش را تنها بررسی مضامین اجتماعی اثر می‌داند و با ترسیم فضای برون‌متنی به تحلیل درون متن می‌پردازند. نگارنده این‌سطور در مقاله‌ای با عنوان *رویکرد*

به چشم می‌خورد از یک سو هویت انسان امروزی است و از سوی دیگر فضای عینی گرا و جامعه‌ای در عطش واقع‌گرایی.

۱.۳. دیگرطلبی و هویت فرد

در رمان معاصر فرانسه، نویسندگان به راحتی و حتی به اصرار، هویت واقعی خود را در قالب آثار ادبی به عموم عرضه می‌کنند. این تمایل روزافزون به نمایش خود در جمع و افشای عمومی جزئیات زندگی خود، بی‌شک پاسخ به نیازی است که نویسندگان معاصر در ادامه رواج درون‌مایه کلاسیک خودشناسی به آن دست یافته‌اند. جست‌وجوی هویت در عرضه بیرونی آن، به دور از استعاره و تخیل و نماد و در «ادعای صداقت معنی می‌یابد. نویسندگان به وضوح از خیال‌پردازی و تخیل دوری می‌کنند و با تکیه بر قالب‌های ادبی‌ای که به زندگی واقعی ارجاع می‌شوند (یعنی انواع خودنوشته‌ها) در پی قبولاندن واقعیت زندگی خویش به مخاطبان خودند؛ نوشته‌هایی که در عمل بازگوکننده تلاش نویسنده برای ارائه تصویری از خودند. این پدیده بی‌تردید، ریشه در جایگاه تصویر در جامعه امروز دارد. عصر ما بی‌شک عصر تصویر است. دورانی که دسترسی به تصویر (به‌ویژه در قالب عکس و فیلم) بسیار رایج و آسان شده است. انسان این دوره مسحور و محصور تصویر است؛ تصویری که با فناوری دیجیتال، دیگر هیچ محدودیت و دشواری بر خود نمی‌تابد و حتی در بسیاری از موارد، نخستین گام در ارتباط را شکل می‌دهد؛ به گونه‌ای که حتی می‌توان آن را ویتترین هویت انسان امروز برشمرد. نقش پیشگام عکس و تصویر در دنیای ارتباط، موجب اهمیت یافتن حضور مخاطب (بیننده عکس) نیز شده است. بدین معنا که نگاه مخاطب و تأیید وی در مشروعیت بخشیدن به هویت صاحب تصویر، نقش عمده‌ای یافته است. این گونه است که خودنوشته نیز ابزار

اجتماعی و نقد: از جامعه‌شناسی ادبیات تا نقد جامعه‌شناختی، ارائه شده در نخستین همایش نظریه و نقد ادبی در ایران که در اسفند ماه ۱۳۸۹ در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد به تحلیل خوانش جامعه‌شناختی و کاربرد آن در ایران می‌پردازد و فهرستی از اشتباه‌های رایج در این زمینه را ارائه می‌دهد (گفتنی است که حاصل پژوهش مذکور در قالب دو مقاله جداگانه در دست تهیه است و در آینده به چاپ خواهد رسید).

جدیدی در دست هنرمند شده که به وسیله آن تصویری از خود و هویت «واقعی» خود به جمع ارائه دهد تا هویتش مشروعیت یابد.

آنچه در این بین حائز اهمیت است، نقش دیگری و جمع، در شکل دادن و تعریف هویت فرد است. هرچند حضور فرد برای ایجاد تصویر و ارائه آن مؤثر است و باید موجب ذهنی‌گرایی اثر شود، حرکت قابل توجه بسیاری از نویسندگان معاصر در کم‌رنگ کردن این ذهنی‌گرایی و تلاش برای غیرشخصی کردن نوشتار شخصی خویش (نک. Nassehi, 2011) گواهی است بر جایگاه جمع در خودنوشته‌ها؛ زیرا اگر حضور «من» به دلیل خودشیفتگی نویسنده و اصرار وی برای ارائه تصویری خاص و یگانه از خود باشد، در جست‌وجوی ارزش جمعی ضمیر اول‌شخص مفرد و گروهی نمایاندن تجربه‌های شخصی بودن، تلاشی زائد محسوب می‌شود که نه تنها نویسنده را به سوی هدف خویش هدایت نمی‌کند، بلکه به تصویر فردی وی جنبه‌ای گروهی و جمعی می‌بخشد؛ به بیان دیگر، هویت فرد امروز در ارتباط با فرد یا افراد دیگر، در تعلق و وابستگی به جمع مشروعیت می‌یابد.

۲.۳. واقع‌گرایی انسان مدرن

ناتالی ساروت در کتاب نظری خود، عصر بدگمانی، که به مطالعه رمان نو می‌پردازد، از لزوم تغییر ساختار رمان هم‌زمان با تغییر ساختار اجتماع سخن می‌گوید و معتقد است پیدایش رمان پاسخی است به نیاز جامعه زمان خود که تحول یافته است و انسانی که شرایط و خواست‌های متفاوتی دارد (ر.ک. Sarraute 1984, pp. 59-79). آلن رب‌گریه نیز در موضع‌گیری مشابه، تحول رمان فرانسه را نیاز دوران می‌داند (Robbe-Grillet, 1961, p. 9). رمان نو در زمانی ظاهر شد که به گفته نظریه‌پردازان آن، انسان در پی واقعیت است.

در این دوران، حضور هویت فردی به تدریج در حال محو شدن است و در مقابل، حضور و اهمیت اشیا احساس می‌شود؛ در نتیجه شخصیت‌پردازی در رمان بسیار کم‌رنگ می‌شود و جای خود را به زندگی و نقش موجودات غیرانسانی در واقعیت می‌دهد. بدین ترتیب، رمان نو شاهدهی بر افول فردگرایی و فردمحوری در جامعه

فرانسه دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی است؛ افولی که از جنبه‌ای دیگر گواه واقع‌گرایی این نوع ادبی است. اگرچه از دهه ۸۰ به بعد، فرد دوباره به صحنه ادبیات بازمی‌گردد، حضور دوباره وی نیز در راستای نیل به واقع‌گرایی بیشتر است؛ زیرا این فرد در پی اثبات واقعیت حضور خود است، بر غیرتخیلی بودن خویش تأکید دارد و در پی قابل‌باور نمایاندن خود است.

اگر به گفته ناتالی ساروت، خواننده زمان وی، نیاز به دریافت واقعیت و صداقت نویسنده دارد و خود را به نویسنده نزدیک می‌خواهد و می‌بیند، چرا که باید به جای او روایت را رمزگشایی و شخصیت بی‌هویت را شناسایی کند، در دوره بعد از رمان نو، این نویسنده است که می‌خواهد خود را به خواننده نزدیک کند؛ زیرا زندگی شخصی خود را به غیرشخصی‌ترین شیوه ممکن در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ خواننده‌ای که باید به راحتی خودنوشته نویسنده را از «خود» بداند.

بدین ترتیب، حضور بارز «من» در خودنوشته‌های معاصر حرکتی از ذهنی‌گرایی به عینی‌گرایی را تداعی می‌کند که حاصل تحول ویژگی‌های فرد در جامعه مدرن است و گرایش رمان نو به سوی خودنوشته به معنای بازگشت ارزش فرد در جامعه تلقی نمی‌شود، بلکه انعکاس هویت‌یابی فرد مطرود «جامعه مصرفی»، در ارتباط با اجتماع است؛ به بیانی دیگر، گذری است از هویت فردی به هویت جمعی.

نتیجه‌گیری

نوآوری‌های نیمه دوم قرن بیست، هر یک آینه‌ای از وضع اجتماعی موجود زمان خویش است. همان‌گونه که رمان نو نشانی از شیء‌انگاری موجود در جامعه زمان خود است و چنان‌که تئاتر نو با تصویر کشیدن بیهودگی روابط انسانی، بی‌هویتی شخصیت‌ها، فقدان حضور انسانی و نیز انباشتگی از اشیا، به‌گونه‌ای دیگر از افول فردگرایی و نادیده انگاشتن فرد در آن دوره شهادت می‌دهد، ادبیات خودنوشته نیز در ادامه این روند، با تکیه بر جایگاه اول‌شخص در قالب اثر، نشانی از واکنش علیه شیء‌انگاری و بیگانه‌سازی به نظر می‌آید. هویت و شخصیت غایب در جریان‌های ادبی

پیشین، در اینجا به عنصر اصلی و بدیهی تبدیل می‌شود؛ اما در عین حال گرایش این خودنوشته‌ها و تلاش‌های فردی نویسندگان در پرداختن به واقعیت، جهان بیرون و مسائل اجتماعی و اعطای ارزش جمعی به اول‌شخص مفرد، که همگی از عینیت‌گرایی این آثار به ظاهر ذهنیت‌گرا حکایت دارد، بیانگر پیوند فرد با گروه و ارزش هویت گروهی (خانواده، مذهب، فرقه و طبقه اجتماعی) در جامعه فرانسۀ امروز است.

ارائه تحلیلی جامع از وضعیت نشر ادبی معاصر، به دلیل گسترش و حجم بسیار زیاد آثار، بسیار دشوار و شاید ناممکن می‌نماید. آنچه مسلم است ظهور پدیده‌ای در عصر حاضر است که جریانی از ادبیات خودنوشته را شامل می‌شود؛ جریانی که نه می‌توان آن را فردگرایانه نامید و نه می‌توان نام ادبیات اول‌شخص بر آن نهاد. شاید بهترین توصیف برای این قبیل آثار، ادبیات «من سالار» باشد که بدون توجه به نقش و ماهیت «من» و مرجع آن به جایگاه عمده اول‌شخص در این نوشته‌ها اشاره می‌کند.



منابع

- [۱]. استونز، راب. (۱۳۸۵). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- [۲]. اسکارپیت، رویر. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه دکتر مرتضی کتبی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- [۳]. ترابی، علی اکبر. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*. ادبیات از دیدگاه جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تبریز: انتشارات فروزش.
- [۴]. کهنمویی پور، ژاله و نسرین دخت خطاط و علی افخمی. (۱۳۸۱)، *فرهنگ توصیفی نقد ادبی (فرانسه-فارسی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۵]. ناصحی، زهره. (۱۳۸۹). «رویکرد اجتماعی و نقد: از جامعه‌شناسی ادبیات تا نقد جامعه‌شناختی»، نخستین همایش نقد و نظریه ادبی در ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- [6]. BRAUD, M. (2006). *La Forme des jours. Pour une poétique du journal personnel*. Paris: Seuil.
- [7]. Cros, E. (2003). *La Sociocritique*. Paris: L'Harmattan, « Pour comprendre».
- [8]. Domenach, J.M. (1995). *Le Crépuscule de la culture française*. Paris: Plon.
- [9]. Elyas, N. (2004). *La Société des individus*, Paris: Fayard, «Pocket».
- [10]. Lipovetsky, G. (2004). *L'Ère du vide. Essais sur l'individualisme contemporain*. Gallimard, «Folio essais».
- [11]. Maffesoli, M. (1998). *Le Temps des tribus. Le Déclin de l'individualisme dans les sociétés de masse*. Paris: Méridiens Klincksieck.
- [12]. Nassehi, Z. (2011). «L'autofiction ou la recherche d'une autobiographie objective. De l'évolution de l'écriture de soi dans la littérature française contemporaine, le cas d'Annie Ernaux», *L'autofiction dans la littérature française extrême contemporaine*, Actes du colloque, Université de Téhéran, pp. 159-173.
- [13]. Raczymow, H. (1994). *La Mort du grand écrivain*. Paris: Stock.
- [14]. Rey, P. L. (2004). «Le Nouveau roman », *Encyclopaedia Universalis*, CD-Rom, version 9.
- [15]. Robbe-Grillet, A. (1961). *Pour un nouveau roman*. Paris: Les Éditions de Minuit
- [16]. Sarraute, N. (1987). *L'Ère du soupçon*. Paris: Gallimard, «folio essais».
- [17]. Viart, D. (2002). «Ecrire avec le soupçon» in *Le Roman français contemporain*, ADFP, Paris: Editions du Ministère des Affaires étrangères.
- [18]. VIART Dominique & VERCIER Bruno. (2005). *La Littérature française au présent. Héritage, modernité, mutations*. Paris : Bordas.
- [19]. Zima, P. (2000). *Manuel de sociocritique*. Paris: L'Harmattan, «Logiques Sociale».

Romans français cités:

- [1].BERGOUNIOUX Pierre, *L'Orphelin*, Gallimard, 1992.
- [2].----, *Simplex, magistraux et autres antidotes*, Gallimard, 2001.
- [3].DOUBROVSKY Serge, *Fils*, Gallimard, 1977.
- [4].DURAS Marguerite, *L'Amant*, Gallimard, 1984.
- [5].ERNAUX Annie, *La Place*, Gallimard, 1984.
- [6].----, *Ce qu'ils disent ou rien*, Gallimard, 1979.
- [7].----, *Journal du dehors*, Gallimard, 1993.
- [8].----, *L'Usage de la photo*, Gallimard, 2005.
- [9].----, *La Femme gelée*, Gallimard, 1981.
- [10]. ----, *La Honte*, Gallimard, 1997.
- [11]. ----, *Les Armoires vides*, Gallimard, 1974.
- [12]. ----, *Une femme*, Gallimard, 1988.
- [13]. LE CLEZIO J.-M. G., *L'Africain*, Gallimard, 2004.
- [14]. ROBBE-GRILLET Alain, *Angélique ou L'Enchantement*, Les Editions de Minuit, 1988.
- [15]. ----, *Le Miroir qui revient*, Les Editions de Minuit, 1985
- [16]. ----, *Les Derniers jours de Corinthe*, Les Editions de Minuit, 1994.
- [17]. SARRAUTE Nathalie, *L'Enfance*, Gallimard, 1983.
- [18]. SIMON Claude, *L'Acacia*, Les Editions de Minuit, 1989.

